

فصل دوم:

فروپاشی تشکیلات ترور

□ انسجام انقلابیون ضد تروریسم

نیروهای اطلاعات سپاه پاسداران، کمیته انقلاب و گروه ضربت دادستانی انقلاب، که انقلابیون فداکار برخاسته از متن مردم بودند و صیانت از امنیت جامعه و مقابله با تروریسم را بر اساس انگیزه‌ها و اعتقادات متعالی و عمیق انسانی، وظیفه دینی خویش قلمداد می‌کردند از آغاز سال ۱۳۶۱ در وضعیتی کاملاً هماهنگ، همه معادله‌ها و محاسبه‌های سازمان و حامیان خارجی آن را برهم زدند.

برخی از کارشناسان و مسئولان ذیربط، شرایط و چگونگی اقدامات ضد تروریستی در سال ۶۱ را اینگونه تبیین کرده‌اند: پس از ضربه برق‌آسای ۱۹ بهمن ۱۳۶۰، سیستمی مرکزی از تعقیب و مراقبت، نفوذ، شنود رادیویی و مجموعه گشت‌های شهری، با ارتقای سطح کیفی، به کار گرفته شد. ضربه مهم مزبور، موجب پاره شدن اتصالات بخش‌های نظامی و اجتماعی و روابط شد؛ و از آن پس، فرماندهان سازمان گاه با تلفن یا پیک گزارش‌های خود را می‌بایست به خارج از کشور ارسال می‌کردند.

از یک سو اطلاعات سپاه، با گستردگی در کلیه شهرستان‌های کشور - در قالب واحدهای رزمی متمرکز - این امکان را یافته بود که با آگاهی و اشراف بر حوادث و رویدادها و اخبار درونی گروه‌ها، تحلیل جامع از تحرکات گروه‌ها را به دست دهد و با بهره‌گیری از سرعت عمل و انعطاف کافی، با همکاری سایر نهادها به ویژه کمیته انقلاب و دادستانی انقلاب، نقش ویژه‌ای در مبارزه علیه تروریسم احراز نماید.

از سوی دیگر کمیته انقلاب اسلامی، هم در واحد اطلاعات و هم در واحد عملیات، بیشترین فعالیت خود را در مسیر به راه انداختن گشت‌های مخفی و ضربه بر بدنه عملیاتی سازمان متمرکز کردند. این نیروها، با هماهنگی قضایی دادستانی انقلاب مرکز (تهران) و با هدایت کارشناسان دو شعبه ویژه این دادستانی، توانستند ضربات سنگینی را ابتدا بر بخش نظامی در تهران و سپس بر نهادهای کارمندی و کارگری بخش اجتماعی در جنوب کشور وارد نمایند.

تمرکز دو سیستم هماهنگ الکترونیک و انسانی توسط اطلاعات سپاه و نهاد امنیتی نخست‌وزیری با همکاری دادستانی انقلاب اسلامی ارتش، تحت دو رمز «عبدالله پیام» و «کشتی»، تا مدت‌ها کابوس هولناکی برای سازمان و دیگر گروه‌هایی که امکان شنود بی‌سیم‌های این دو سیستم را داشتند، پدید آورد. با استفاده از تجربه ضربه به خانه مرکزی زعفرانیه در ۱۹ بهمن ۶۰ و سایر اطلاعاتی که به دست آمده بود، یک جریان بدیع از تعقیب و مراقبت ایجاد شد. این جریان، که همکاری و همراهی طیف وسیعی از نیروهای مردمی متخصص را با خود داشت، توسط یک سیستم نوین تعقیب الکترونیک، به مثابه پشتوانه لحظه به لحظه اطلاعاتی، حمایت می‌شد. طی مدت کوتاهی، تعدادی قابل توجه از خانه‌های تیمی کاملاً استتار شده و دارای محمل، که متعلق به نیروها و کادرهای فعال سازمان و بخشی از مرکزیت بخش‌ها و نهادها بود، توسط این جریان کشف گردید و با دقت زایدالوصفی زیر نظر قرار گرفت.

○ ضربه به ستون فقرات تشکیلات ترور

رأس ساعت ۲ بعدازظهر ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱، حمله نیروهای هماهنگ نهادهای انقلابی به پایگاه‌های بخش اجتماعی سازمان آغاز شد. در اثر این ضربه، بخش اجتماعی، که به فرماندهی و مسئولیت محمد ضابطی (هدایت‌کننده تظاهرات ۳۰ خرداد و ۵ مهر ۱۳۶۰ و مجموعه عملیات متعدد ترور و تخریب) اداره می‌شد، و ستون فقرات سازمان ترور محسوب می‌گشت، کاملاً از بین رفت. فرماندهان این بخش، از مرکزیت تا رده سرشاخه، ضربه خوردند. نهاد دانش‌آموزی، نهاد دانشجویی، نهاد جعل، نهاد تدارکات، قسمت شهرستان‌های شمال و شهرستان‌های جنوب، مسئولان نهاد کارمندی، مسئولان حفاظت مرکزیت بخش اجتماعی، همه در این ضربه منهدم شدند. در این عملیات و تداوم آن،

علاوه بر تلفات مهمی که به جای گذاشت و ذیلاً خواهد آمد، نزدیک ۶۰ نفر نیز دستگیر شدند.^۱ تلفات سازمان، طی ضربه مزبور، از طرفی به لحاظ کیفی خیلی بالا بود و آن را دچار فقر شدید نسبت به کادرها و اعضای مؤثر کرد؛ و از سوی دیگر، نحوه ضربه و مجهول ماندن علت آن، سازمان را به یک سرایشی هولناک تاکتیکی انداخت که «عملیات مهندسی» نام گرفت.^۲ مهم‌ترین تلفات سازمان، نتیجه حمله به پنج پایگاه (خانه تیمی) مهم مرکزی در تهران بود: پایگاه کامرانیه، پایگاه ستارخان، پایگاه نارمک، پایگاه جلال آل احمد، و پایگاه ۲۱ متری جی. کادرها و اعضای تروریست سازمان، مستقر در این پایگاه‌ها، که در حین درگیری شدید مسلحانه و تبادل گلوله و نارنجک، کشته شدند، به ترتیب زیر عبارت بودند از:

کامرانیه: محمد ضابطی - نصرت رضانی (ضابطی) - قاسم باقرزاده - پری یوسفی (باقرزاده) - حمید جلال‌زاده - زکیه محدث (جلال‌زاده) - تقی اوسطی - مهین خیابانی (اوسطی) - امیر هوشنگ آق‌بابا - سوسن میرزایی (آق‌بابا) - احمد کلاهدوز - هادی تواناییان فرد - حسین امیرپناهی - اقدس تقوی.

ستارخان: حمید خادمی - فرشته ازهدی (خادمی) - حسن رحیمی - حسن صادق - مهین ابراهیمی - معصومه میرمحمد (سوادی‌نژاد) - ایران بازرگان (ازهدی) - پروین ملازینعلی طاری. ۲۱ متری جی: سعید منبری - غلامعلی صادقی نیستانی - مژگان موفق (صادقی نیستانی) - نسرين صادقی نیستانی.

جلال آل احمد: فضل الله تدین - فاطمه مهدوی.

نارمک: خدیجه مسیح (مصباح).

پراکنده (در اطراف پایگاه‌ها و ضمن درگیری خیابانی): حسین جلیلی پروانه - مریم شفایی (جلیلی پروانه) - علی انگبینی - عباس همایون‌نژاد.^۳


۱. گفت و گو با یکی از مسئولان عملیاتی. نیز - نشریه مجاهد، ش ۱۵۲ و ۱۵۴.

۲. این عملیات، در فصل آینده، مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۳. اسناد و مدارک مربوط به عملیات مزبور؛ موجود در دانشکده امام باقر (ع). نیز - نشریه مجاهد، ش ۹۱، ۱۵۲ و

۱۵۴: صفحات متعدد داخلی.

شماره جلد



نام حمید
شهرت جلال زاده
نام پدر علی
شغل مهندس
نام و شهرت قبلی
شماره شناسنامه ۳۱۲
تاریخ و محل صدور شیراز
تاریخ و محل تولد ۱۳۲۵

حمید جلال زاده



فضل الله تدین چهارسوقی



محمد ضایعی

○ ضربات تکمیلی سنگین

ضربه ۱۹ اردیبهشت ۶۱ به دنبال عملیات موفق اطلاعاتی، که منجر به ضربه ۱۲ اردیبهشت شد، وارد آمد و مهم‌ترین کادرهای باقی‌مانده تروریسم متشکل در بخش اجتماعی از بین رفتند، که عناصر اصلی‌شان با سابقه مشارکت و نقش مؤثر در چندین عملیات تروریستی و به قتل رساندن تعداد زیادی از مردم، عبارت بودند از:

فاضل مصلحتی - مهری خانبانی (مصلحتی) - حمید لولاجیان - حسین کلکته‌چی - زهرا طباطبایی - بهرام قاسمی - زهرا شیخ‌الاسلام - وجیهه عبادی - فاطمه ابوالحسنی - فائزه بهاری جوان - زهرا عمرانیان.^۱

در پی ضرباتی که طی بهار سال ۱۳۶۱ به مرکزیت هدایت‌کننده تروریسم تشکیلاتی و بدنه نظامی سازمان وارد شد، با تلاش هماهنگ نیروهای اطلاعاتی - امنیتی جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۰ مرداد ۱۳۶۱ بخش روابط سازمان به زیر ضربه رفت و جمعی از کادرها و اعضای تروریست، کشته و زخمی و تعداد کثیری نیز دستگیر شدند.

بخش روابط، در جریان فاز سیاسی، وظیفه ایجاد ارتباط با شخصیت‌ها، گروه‌ها و احزاب، و سفارتخانه‌های خارجی را بر عهده داشت و اهم وظیفه‌اش تثبیت موقعیت سازمان و القای خطوط آن به افراد و نیروهای طرف ارتباط بود. در جریان فاز نظامی، به منظور پشتیبانی و تقویت اقدامات مسلحانه تروریستی، محدوده کار بخش روابط به ارتباط تشکیلاتی داخل و خارج و تماس با کردستان تقلیل یافت. اسناد و مدارک این بخش گویای ارتباطات وسیع سازمان با عناصر سیاسی، شعرا و نویسندگان، گروه‌ها، جمعی از نمایندگان مجلس، و بخشی از روحانیت، در فاز سیاسی است. ناکامی‌های متعدد سازمان، در جلب نزدیکی و همکاری افراد معروف، در اسناد مزبور منعکس است؛ از جمله در مورد احمد شاملو (اجابت نکردن تقاضای سازمان در مورد سرودن شعری ویژه آنها)، مهندس مهدی بازرگان (عدم حمایت از شورای ملی مقاومت)، و جمعی از اعضای نهضت آزادی (مورد سؤال قرار دادن پرویز یعقوبی، رابط سازمان، در مورد استراتژی مسلحانه؛ و عدم اجابت همکاری با آنها).^۲

در قسمت‌های مختلف این بخش، افراد زیر - از جمع کادرهای سازمان - مشغول به کار بوده‌اند:

۱. نشریه مجاهد، ش ۹۱: ص ۱ و صفحات متعدد داخلی.

۲. بشیر، رخدادهای سمخا...، ج ۱: ص ۶۳.

عباس داوری - محمد حیاتی - محسن (ابوالقاسم) رضایی - پرویز یعقوبی - محمد سیّدالمحدثین - محمود قجر عضدانلو - منصور بازرگان.

طی ضربه ۱۰ مرداد، سازمان تلفات سنگینی را متحمل شد. اسامی نیروهای عملیاتی و روابطی که وظیفه تغذیه سیاسی ایدئولوژیک «تروریسم سازمان» را به انجام می‌رساندند و برای استمرار و بقای ترور می‌کوشیدند، و در صورت لزوم خود نیز به قتل دست می‌زدند و عاقبت در دامی که خود تنیده بودند، قربانی شدند، به قرار زیر است:

سیاوش سیفی - فاطمه مددپور (سیفی) - علی رحمانی - زهره گودرزی (رحمانی) - افشین قهرمانی - شهاب راسخی - کاظم محمدی گیلانی - فاطمه اثنی عشری - مهدی زائران مقدم - محمدعلی بیات - علیرضا حسینی - مریم خدایی صفت (حسینی) - هادی غلامی - فرهاد فتح‌پور پاکزاد - باقر آل اسحاق - محمد لقا نازنده - طاهره وزیری - جعفر آمرطوسی - افسانه امینیان (آمرطوسی) - مصطفی موسوی - فائزه زائران مقدم (موسوی) - اردلان صفی یاری - زبیده جعفری ثانی - افسانه شمس.^۱

سبحانی از مسئولان امنیتی سابق سازمان می‌نویسد:

به دنبال ضربه ۱۹ بهمن ۱۳۶۰... با ضربه‌های سراسری و همزمان رژیم جمهوری اسلامی به کلیه پایگاه‌های بخش اجتماعی در اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ و ۱۰ مرداد ۱۳۶۱... در این ضربات عملاً بیش از ۸۰ درصد کادرها و مسئولین سازمان که عمدتاً در «بخش اجتماعی» سازماندهی شده بودند، دستگیر یا هنگام درگیری‌ها کشته شدند... بعد از این مقطع تقریباً کلیه ارتباطات تشکیلاتی اعضای سازمان با یکدیگر در داخل تهران و شهرهای بزرگ، از هم پاشیده شد.^۲

۱. نشریه مجاهد، ش ۲۱۴: ص ۱ و صفحات متعدد داخلی.

۲. سبحانی، روزهای تاریخ بغداد: صص ۷۱ - ۷۲.